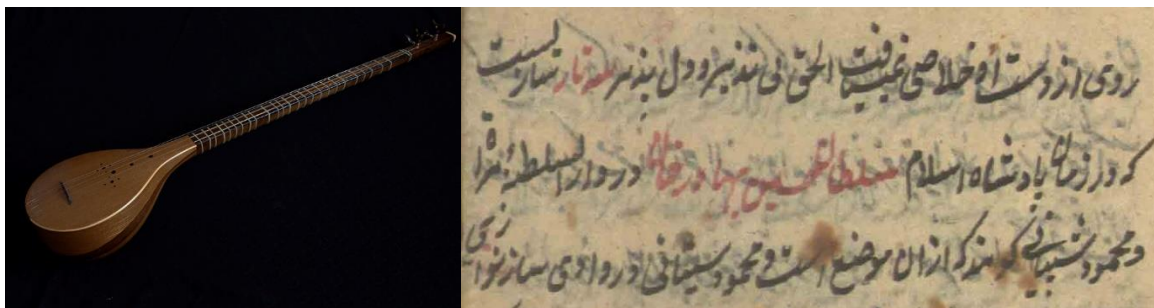


به بهانه کوتاه ماندن دست ما از دوتار (صدای من در یونسکو کیست؟)

خلیل الله افضلی



چندی پیش سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، یونسکو در چهاردهمین اجلاس کمیته میراث ناملموس (معنوی) بشری در بوگوتا پایتخت کلمبیا، ساز دوتار را به فهرست میراث فرهنگی ناملموس جهان افزود. پرونده دوتار که توسط جمهوری اسلامی ایران با عنوان «مهارت ساخت و نواختن ساز دوتار» به این کمیته ارائه شد، توانست هر پنج معیار مورد نظر یونسکو برای ثبت در فهرست میراث جهانی ناملموس را تکمیل کند.

این رویداد سروصداهایی را در هرات برانگیخت و برخی نهادهای مدنی و فرهنگی مخالفت خود را با ثبت این ساز قدیمی به نام یک کشور بلند کردند و خواستار آن شدند که یونسکو در پرونده ثبت این ساز تجدید نظر کند و حق دیگر کشورها را نیز در نظر بگیرد. دولت افغانستان با بی‌علاقگی در قبال این قضیه سکوت کرد و واکنشی نشان نداد. در فضای مجازی ایران، کسی با این خواست و گله هراتیان مخالفتی نکرد و برخی تأکید نیز کردند که میراث فرهنگی ایران باستان متعلق به همه کشورهای فارسی‌زبان هست.

نگاهی به گذشته هرات و موسیقی‌دان‌های او

بر پایه اطلاعات منابع مختلف از دوره تیموری در نیمه نخست سده نهم شاه‌رخ و بایسنغر میرزا دربارهایشان کانون توجه به موسیقی و پرورش موسیقی‌دانان بود. عبدالقادر مراغی و خواجه یوسف اندیجانی به ترتیب سرآمدان موسیقی‌دانان و موسیقی‌نوازان و خواننده‌های دربارهای شاه‌رخ و بایسنغر میرزا بودند. مراغی با نگارش آثاری چند به مباحث نظری موسیقی و به ویژه بحث‌های سازشناسی پرداخت و به ترقی این هنر در دربار شاه‌رخ همت گماشت. او یکی از شاگردان بزرگ مکتب صفی‌الدین بغدادی بود که پس از براندازی دولت آل‌جلایر توسط تیمور، آواره شد و سرانجام در عهد شاه‌رخ به هرات آمد. مراغی در این شهر چهار کتاب مهم خود مقاصد‌الالحان، جامع‌الالحان، ترجمه و شرح فارسی الادوار صفی‌الدین و کنزالالحان را به نام شاه‌رخ میرزا و بایسنغر میرزا نوشت و هنرمندان زیادی را نیز تا هنگام مرگش در همین شهر تربیت کرد که یکی از آن‌ها خواجه یوسف برهان عارف سخنور و موسیقی‌دان بزرگ این دوران بود. خواجه یوسف برهان در آهنگ‌سازی دست بلندی داشته و به نوبه خود هنرمندان زیادی را در هرات با شیوه مکتب صفی‌الدین پرورد که امیر علی شیر نوایی و نجم‌الدین کوکی بخارایی سرآمد شاگردان او بودند.

خواجه یوسف اندیجانی نیز چنان در دربار بایسنغر میرزا در باغ سفید هرات شکفت که دیگر شاه‌زاده تیموری ابراهیم میرزا حاکم شیراز او را از برادرش بایسنغر خواست و شاه‌زاده نداد و در پاسخش نوشت:

تو سیم سیاه خود نگه دار

ما یوسف خود نمی‌فروشیم

با نگاهی گذرا به وضعیت موسیقی این دوره می‌توان دریافت که مبانی نظری و عملی موسیقی در دوره شاه‌رخ و بازماندگانش شکل می‌گیرد و در نیمه دوم سده نهم بر همین اساس به تکامل خود ادامه می‌دهد. بی‌تردید اوج شکوفایی هنر موسیقی در دوره تیموری، در دربار سلطان حسین بایقرا رخ نمود که حاصل تلاش علمی و عملی سالیان دراز موسیقی‌دانان گذشته به دست موسیقی‌دانان دربار سلطان حسین رسید.

در تواریخ، سرگذشت‌نامه‌ها و تذکره‌های اواخر سده نهم و اوایل سده دهم گزارش‌هایی دیده می‌شود که با پشتیبانی سلطان حسین بایقرا، امیر علی شیر نوایی و برخی از وزرا و بزرگان عصر، استادان برجسته موسیقی و دانشمندان نامور آن عهد از گوشه و کنار خراسان، ماوراءالنهر، هند در هرات تجمع کردند و گاه اینان در مجالس و محافلی که عمدتاً در باغ‌های اطراف هرات برگزار می‌شود، گرد هم می‌آمدند و بزم‌های شعری و موسیقی برپا می‌کردند. این حمایت‌ها زمینه مناسبی برای تربیت موسیقی‌دانان، سازندگان و نوازندگان به وجود آورد. امیر علی شیر نوایی نیز در برپایی این مجالس باشکوه و گردآوری نوازندگان و خوانندگان چیره‌دست، سعی فراوانی داشته است. جهت اثبات این مدعا از ضیافتی یاد می‌کنیم که زین‌الدین محمود واصفی نویسنده بدایع الوقایع با حضور نوایی به روز پنج‌شنبه غره جمادی الآخر سال ۸۹۷ق. در باغ قریه پرزه در نیم فرسخی هرات ثبت کرده است:

«فراشان چابک در پیش ایوان کیوان منزلت آن عمارت غیرت طارم افلاک شامیان‌های اطلس زرنگار و سایه‌بان‌های زربفت شب‌اندوز نمودار تولج اللیل فی النهار مثل سپهر دوار برافروختند. از خواننده‌ها حافظ بصیر و حافظ حسن علی و حافظ حاجی و حافظ سلطان محمود عیشی و شاه محمد خواننده و سیهجه خواننده و حافظ اوبهی و حافظ تربتی و حافظ چراغ‌دان و از سازنده‌ها استاد حسن نایی و استاد قل محمد عودی و استاد حسن بلبلانی و استاد سیداحمد غچکی و استاد علی کوچک طنبوری ... را در آن مجلس حاضر ساختند».

نتیجه تلاش‌های نوایی آن شد که به تشویق و حمایت او کتب و رسالات زیادی به فارسی، عربی و ترکی در موضوع مباحث نظری موسیقی تألیف گردید و سبب رشد بی‌سابقه و ترویج عام موسیقی در سده نهم هجری شد. دکتر اسدالله شعور پژوهشگر برجسته فرهنگ عامه کشورمان در مقاله‌ای از بیست کتاب و رساله موسیقی در سده نهم یاد کرده و برخی از جمله رساله موسیقی مولانا صاحب‌الدین شریفی، قل محمد عودی، نورالدین عبدالرحمن جامی، کمال‌الدین بنایی، شاه محمد دل‌دوز هروی، خواجه یوسف برهان، ابوالوفا ابن سعید، علی کاردمال، حسامی قراکولی، کتاب قانون قاضی زین‌العابدین محمود حسینی، کتاب اصول ضرب نظام‌الدین علی بوکه اوبهی، ارجوزه فی علم الانعام شهاب‌الدین عجمی را نام برده است.

به همین ترتیب سند دیگری که توسط مجموعه‌ای از رساله‌های خطی به روزگار ما رسیده و در سال ۱۳۲۰ش. توسط محیط طباطبایی در مجله موسیقی چاپ تهران به نشر رسید؛ دعوت‌نامه‌ای است به خط خوش‌نویس معروف سلطان‌علی مشهدی که در آن از سلطان حسین بایقرا خواسته شده تا در ضیافتی در باغ نورا یا نورالدین عبدالرحمن جامی حضور به هم رساند و چنان که رسم آن روزگار بود، فهرست شرکت‌کنندگان این محفل نیز برای آگاهی پادشاه در آن دعوت‌نامه چنین فهرست شده است: سید نجم‌الدین عودی، شاه درویش نایی، شهاب دمکش، حافظ صابر قاق، صاحب مصنف، خواجه شادی‌شاه، مولانا یقینی، مولانا غیاث‌الدین مذهب، خواجه عبدالله قاطع، ماه‌پاره مجلد، سید بابای افشانگر، شکری چارتاری، ایثاربیگ ینی از مقبولات، خواجه اویغور وزیر، قاسم‌بیگ برلاس، امیرزاده توفان‌بیگ بهادرخان، سلطان‌خان جلایر، حورنژاد شاه خانم مهرطلعت از محبوبان، شاهنار خاتون نغمه‌سرای، حواماری صاحب صوت، امیر شیخم سهیلی، امیر ملک جوینی و خورشید خانم بزم‌آرای.

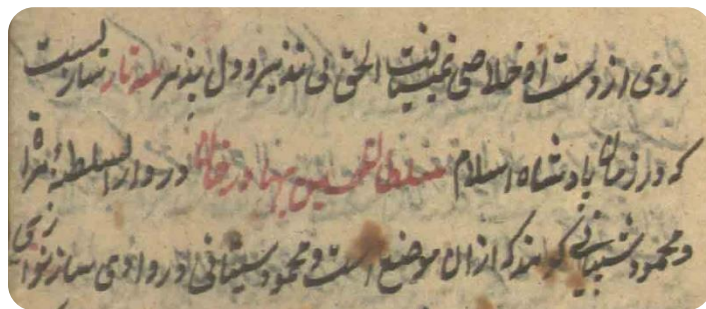
اثرگذاری همین محافل بود که کمال‌الدین علی بنایی را واداشت تا در ظرف چند ماه دانش موسیقی را چنان فرا گیرد که در این موضوع دو رساله معتبر نوشته، آهنگ‌های مردم‌پسندی تقدیم جامعه کند. ظهیرالدین محمد بابر در این مورد نوشته است که: بنایی «در اوایل از موسیقی بی‌خبر بود و از همین جهت مورد طعن علی شیربیگ قرار می‌گرفت. سالی که میرزا سلطان حسین بایقرا به جهت قشلاق کردن به مرو می‌رود، علی شیربیگ نیز او را همراهی می‌کند. بنایی که در هرات مانده بود، آن زمستان به مشق موسیقی می‌پردازد و تا تابستان به حدی می‌رسد که تصنیف‌ها می‌بندد. در فصل گرما که میرزا به هری بر می‌گردد، بنایی چنان صوت و نقش‌هایی به حضور او می‌گذراند که علی شیربیگ متعجب گردیده، به تحسین او می‌پردازد.

ظهیرالدین بابر از استاد قل محمد، شیخی نایی و حسین عودی سه هنرمند بزرگ موسیقی دانی یاد می‌کند که با توجه مستقیم نوایی پرورش یافته، به نخبه‌های دوران خویش مبدل گردیدند.

مجموعه این فعالیت‌ها وضعیت را در هرات به جایی می‌رساند که بنایی هروی در بخشی از اختتامیه قصیده سه صد و شصت بیتي مجمع الغرایب خود که برای امیر به گویش محلی هرات سروده بود، در مورد آشنایی عمیق مردم هرات به دانش موسیقی چنین می‌گوید:

بلدي از معاضم بلدان	به ندانم شریف‌تر ز هرات
صرف الله عنهم النقصان	همه سُکانش اهل فضل و کمال
فضلايش همه فرید زمان	علمایش وحید عصر همه
در طریق سخنوری میزان	هر یکی از طبیعت موزون
جمع ایقاع کرده با الحان	همه صاحب اصول و خوش لهجه
اهل تصنیف و صاحب دیوان	فضلايش ز شعر و موسیقی
هر کسی در طریق‌ها بی مثل	هر کسی در طریق‌ها بی مثل
همه را پای جود در میدان	همه را دست سعی در حرکت

درویش‌علی چنگی از نوادگان یکی از برجسته‌ترین موسیقی‌دانان هرات خواجه عبدالله مروارید تذکره‌ای دارد زیر عنوان «تحفة السُرور» که در آن یک صد و بیست و شش تن از هنرمندان موسیقی و موسیقی‌دانان حوزه فرهنگی ما را به ویژه در سده‌های نهم و دهم را باز شناسانده است. او در فصل هشتم این کتاب امیر علی شیر نوایی را به اختصار معرفی نموده و شخصیت اداری و ادبی او را در محراق توجه قرار داده است. جز این، او در مورد معاصرین موسیقی دان او چون شرف‌الدین علی یزدی، امیرشاهی سبزواری، نورالدین عبدالرحمن جامی، خواجه عبدالله مروارید، مولانا بنایی، استاد شادی‌شاه هروی، شاه‌قلی غچکی هراتی، پهلوان ابوسعید، میر غوری، غلامعلی شونقار، علی کاردمال، استاد علی رجب مروزی، قاضی زین‌العابدین محمود حسینی، علی جان غچکی، خواجه سیس شیخ طبری، هلالی جغتایی، نجم‌الدین کوکبی و امثال این‌ها مطالب مهم زیادی وجود دارد که در سایر منابع دیده نمی‌شود. از جمله این اطلاعات مهم یکی این است که در فصل پنجم (بیان سازها) این رساله از ابداع و به وجود آمدن سه‌تار در زمان سلطان حسین بایقرا در دارالسلطنه هرات سخن به میان آمده است. او در این باره می‌نویسد: «سه‌تار ساز است که در زمان پادشاه اسلام سلطان حسین بهادر خان در دارالسلطنه هرات و محمود شیبانی گواهند که از آن موضع است». (تحفه السُرور، کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، ص ۱۱۲).



این سند و ده‌ها سند دیگر گواهی است که سازهای مختلف در آن شهر رواج داشته و دانشمندان در این حوزه دست به ابداعاتی نیز می‌زدند. متأسفانه با ضعف سیاسی حکومت تیموری و سپس کشاکش‌های شیبانیان و صفویان رونق بازار موسیقی در هرات نیز به سردی گرایید و پس از آن موسیقی‌دانان برجسته دربار تیموریان به مناطق دیگری همچون آسیای صغیر، ماوراءالنهر و شبه قاره روی آوردند. از آن پس دیگر در دربار هرات چون گذشته از موسیقی‌نوازان و دانشمندان این علم تجلیل و بزرگداشت نشد و نتیجه آن شد که اکثر این سازها برای مردم این شهر چون گذشته آشنا و نامور نیست.

چرا کرسی دولت افغانستان در یونسکو خالی ست؟

درست است که دوتار یا سه تار یا چهل تار اکنون متعلق به کسی است که ارزشش را بداند و از آن استفاده کند که ما چند سده است کمتر ارزشش را دانسته‌ایم و از آن استفاده کرده‌ایم که این از خود دلایلی دارد. جنگ و نابسامانی‌ها و خانه‌جنگی‌های حکام نادان و جاه‌طلب از سده دوازدهم تا به امروز، افراط‌گرایی مذهبی، ستیز و نزاع زمامداران افغانی با نشانه‌های مدنیت و فرهنگ خراسانی، زبان فارسی، ابنیه تاریخی، اسناد و نسخه‌های خطی و ... از جمله این دلایل است. ما با این مشکلات از سده‌ها قبل تا کنون در افغانستان مواجه هستیم اما به عنوان یک توقع این مشکلات نباید سبب شود که کارشناسان هم‌زبان ما در ایران بر سابقه یک عنصر فرهنگی نظیر دوتار یا دیگر سازهای خراسانی و حوزه رواج و گستردگی آن در گذشته و نقش هنرمندان و دانشمندان شهرهای مختلف که امروز میان چند کشور تقسیم شده، چشم ببوشند.

واقعیت آن است که عناصر فرهنگی بسیاری است که می‌توان برای آن‌ها با مساهمت افغانستان کنونی تشکیل پرونده داد و در فهرست میراث فرهنگ دنیا ثبت کرد اما دولت افغانستان به ثبت آن‌ها علاقه‌ای آن گونه که لازم است نشان نمی‌دهد و پیشگام پیشنهاد و ثبت هیچ پرونده‌ای نمی‌شود مگر این که مجبور شود. افغانستان چند سال قبل نمایندگی مستقل خود در یونسکو را به دلیل کمبود بودجه و تورم تشکیلاتی لغو کرد و وظایف آن را به سفیر افغانستان در پاریس سپرد. در حالی که ده‌ها مدرک مصارف بی‌جای در دستگاه دیپلماسی کشور و دیگر ادارات و نهادهای دولتی وجود دارد. به امید آن که این نمایندگی هر چه زودتر فعال شود و نسبت به تاریخ و فرهنگ و هنر نقطه نقطه کشور احساس مسئولیت، دل‌سوزی و سرپرستی کند.